

## منبع جمله "اقتصاد برای خر است" آیت الله خمینی



در نقل قول هایی که در جمع های عمومی و یا در اینترنت از حرف های آقای خمینی میشود، گاهاً پیش می آید که جمله ای دقیق نقل نمی شود و یا همه آن را میگویند اما کسی نمیداند که منبعش چیست. از آن جمله است نقل قول مشهور "اقتصاد برای خر است" آقای خمینی.

آقای خمینی اطلاع کمی از اقتصاد داشت. البته این به تنهایی عیب نیست. آدم های زیادی هستند که از اقتصاد چیزی نمیدانند، اما خوب از بخت بد انقلاب ایران سکان دست کسی افتاد که خودش که از اقتصاد نمیدانست هیچ، به اقتصاد و تنوریسین های اقتصادی هم حمله میکرد که به چه حقی اقتصاد مطرح می شود و رشته ای که نمودش "خریزه و شکم و گاه و الاغ" است، بر "اسلام و مسلمین" ارجحیت پیدا میکند.

این سخنان آقای خمینی است که در اولین سالگرد اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام ایراد شده است: "این جوان های ما رفتند، ریختند و اعضای آنجا را گرفتند و هیچ آسمان به زمین نیامد... این خدمت بود. شما الان یکسال است این جاسوس ها را در آنجا حبس کردید و خبری نشد... الان ما را حصر اقتصادی کردند چه شد؟ مثلاً ما کجایمان گیر کرده است؟... آن چیزی که برای ما ارزش دارد اسلام است. .. ما برای شکمان قیام نکردیم... ما از انزوا نمی ترسیم. استقبال هم می کنیم. اما ما منزوی نیستیم. شما خیال می کنید ما منزوی هستیم." [1]i

"برای شکمان قیام نکردیم، برای اسلام قیام کردیم." با این گفته آیت الله، آن اغهار نغر اقتصادی-رویایی چندان غیرمنتظره نیست:

"دلخوش به این مقدار نباشید که فقط مسکن میسازیم، آب و برق را مجانی میکنیم، اتوبوس را مجانی میکنیم. دلخوش

به این مقدار نباشید." [2]ii

اما برگردیم سر همان جمله جاودانه. آیت الله خمینی در در جمع کارکنان پخش رادیو بود که "اقتصاد برای خر است"، را حواله مخالفان میکند:

"من نمیتوانم تصور کنم، هیچ عاقلی نمیتواند تصور کند که بگویند ما خون هایمان را دادیم که خر بزه ارزان بشود، ما جوانهایمان را دادیم که خانه ارزان بشود، این منطق باطلی است که شاید کسانی انداخته باشند، مغرض ها انداخته باشند، توی دهن های مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلا کشاورزی مان چه بشود. آدم خودش را به کشتن نمیدهد که کشاورزی اش چه بشود.

همه دیدید که تمام قشرها ، خانم ها ریختند توی خیابان ها ، جوان ها ریختند توی خیابان ها، در پشت بام ها در کوچه و برزن و همه جا، فریادشان این بود که اسلام میخواهیم، برای اسلام است که انسان میتواند جانش را بدهد، اولیا ما هم برای اسلام جان دادند نه برای اقتصاد، اقتصاد قابل این نیست.

آن هایی که دم از اقتصاد می زنند و زیربنای همه چیز را اقتصاد میدانند از باب اینکه انسان را میدانند یعنی چه، خیال میکنند انسان یک حیوانی است که همان خورد و خوراک است. منتها خورد و خوراک این حیوان با حیوانات دیگر یک فرقی دارد. این چلوکباب میخورد، او گاه میخورد. اما هر دو حیوانند، اینهایی که زیربنای همه چیز را اقتصاد میدانند، اینها انسان را حیوان میدانند. حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است. زیر بنای همه چیزش، الاغ هم زیر بنای همه چیزش اقتصادش است." [3]iii

جمله اولین رئیس جمهور در ۱۵ مهر ۵۹ نشان از تفاوت سلیقی داشت که در آخر به تقابل در بالاترین سطح نظام کشید:

"چه ضربه کشنده‌ای به انقلاب اسلامی ما زدند و چگونه زیباترین انقلاب را به بدترین شکل‌ها در آوردند و به جهان عرضه کردند، آنهایی که با این عنوان که ما برای اقتصاد، انقلاب نکردیم عملاً زمینه فعالیت‌های سازنده و تولیدی را از بین بردند. آنهایی که چهره زیبای انقلاب ما را لجن آلود کردند." [4]iv

---

[1]i- سخنرانی در جمع دانشجویان پیرو خط امام، سروش، شماره ۷۵، ۱۷ آبان ۵۹، صص ۶-۸

[2]ii- سخنرانی در بهشت زهرا، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

[3]iii- سخنرانی در جمع کارکنان پخش رادیو، ۱۷ شهریور ۱۳۵۸، قم، صحیفه نور، جلد ۹، صفحه ۴۵۰

[4]iv- انقلاب اسلامی، ۱۵ مهر ۵۹